

خبرایات

آتشی از عشق در خود بر فروز



جواد طوسی

● قبول دارید جامعه همچنان انقلابی ما استعداد عجیبی در «پوزسیون پروری» دارد؟ ابتدا این سؤال اساسی را مطرح می‌کنم که آیا ۴۰ سال برای رسیدن به یک شرایط عادی و تثبیت‌شده کافی نیست؟ حکومت‌های پارلمانی، اپوزیسیون را در مقام یک معترض (نه برانداز) نسبت به شرایط موجود قبول دارند. اگر قانون اساسی خودمان را محور وفاقی ملی بدانیم، جا دارد تعریف به‌روز و کارآمدتر و اجرایی‌تری از «کرامت و ارزش والاّی انسان» (بند ۶ اصل دوم قانون اساسی)، نفی هرگونه ستمگری و... همبستگی ملی (بند ج همان اصل)، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون (بند ۷ اصل سوم)، تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه (بند ۱۴ اصل اخیر) و... حقوق شهروندی ارائه دهیم. والله، البته، این گذشته را مدام شخم‌زدن و از توش یک چیزی را علم‌کردن، هنر نیست. هنر انسانی، این است که حرفی که از سوی بالاترین مقام وقت مملکتی زده شده را عمل کنیم. (اصل، حال افراد است»، یعنی چه؟ این جمله برای خالی‌نبودن عریضه که از سوی رهبر فقید انقلاب گفته نشده است. با تکیه بر این کلام، می‌توان وضعیت پادروها و پلاتکلیف بسیاری از اهالی فرهنگ و هنر و سیاست و ورزش را که به شکلی افراطی و نامنعطف در لیست «مظنونین همیشگی» هستند را روشن و با سعه‌صدر بیشتری با آنها برخورد کرد. بسیاری از این افراد، عمر مفید کاری‌شان رو به اتمام است و خیلی از آنها دل‌شان می‌خواهد عمر باقی‌مانده را در خاک سرزمین‌شان سَتر کنند. زندگی سردرگم و باری به هر جهت و بدون بازده شماری از آنها را طی این دوران که مرور می‌کنیم، می‌بینیم ابتدا در دیار غربت سرشان توی لاک خودشان بوده و هیچ صنم و مرادهای با تزیین‌ها و رسانه‌های مخالف‌خوان نداشته‌اند. اما رفقه‌تدر در تداوم دوربودن از وطن و یادآوری گذشته پررونق‌شان و از فرط بی‌کاری و افسردگی، به پیشنهادات ماهواره‌ای و رسانه‌ای روی خوش نشان داده‌اند و شده‌اند اپوزیسیون منتها چه اپوزیسیون؟ وقتی عقده‌گشایی و مخالف‌خوانی عنوان استراتژش با «شاهزاده رضا پهلوی.» به عنوان آلترناتیو و... رده شود، خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل! یک نمونه بارز و عیان این هنرمندان ناخواسته منزوی‌شده، «بهورز وثوقی» است که اتفاقاً در طول تبعید ناخواسته‌اش سکوت اختیار کرده و اهل غرزدن و تیکه‌انداختن و میتینگ‌دردن و شو راه‌انداختن نبوده است. ارزشی‌های عزیز می‌گیرم ما همه بازی‌های ماندگار او در فیلم‌های «قیصر»، «داش‌اکل»، «خاک»، «گوزن‌ها»، «تنگسیر»، «سئوده‌لان»، «کنو» و... را با‌لکل نادیده می‌گیرند و فقط بند کرده‌اند به «اشرف». آن هم در شرایطی که دلایل کافی متقن برای اثبات اینکه دل فرد در مظان اتهام برای این‌اوغار دربار غش‌رفته وجود ندارد! خب، بازیگر توانمندی با آن سابقه و اعتبار بارها تلویحا و تصریحا با حسرت و اندوه گفته که دلش می‌خواهد در کشور خودش زندگی کند و بمیرد. آیا این محروم‌کردن او در سن ۸۱سالگی، خدایندانه است؟ چند روز قبل در مراسم تشییع پیکرزنده یاد ناصر چشم‌آذر، خانم پوری بنایی با بغض گفت که این اواخر چشم‌آذر را به تلویزیون راه ندادند. اگر این گفته واقعیت داشته باشد، چرا باید آهنگ‌ساز مجموعه «قصه‌های مجید» و فیلم‌های «هامون»، «قارچ سمی»، «ای ایران»، «خوابران غریب» و... موسیقی گوش‌نواز و پرحس‌وحال «باران عشق»، در رسانه ملی ممنوع‌الورود باشد؟ هنوز برخورد غیرانسانی و خالصی از مهری که در مورد ناصر ملک‌مطیعی با عدم پخش آن قسمت از برنامه «دوره‌می» تهران مدیری که او میهمانش بود، یادمان نرفته است. اگر اسلام را دین رافت می‌دانیم، این برخوردهای سلبی و خط‌کشی‌شده در تعارض با آن نگاه مشفقانه و مهرورزانه است.

ادامه از صفحه ۹

ذمل: دیدن رنگار زمان؟

خواست زن برای بیرون‌کشیدن گذشته و بازآفرینی آن مستلزم فرورفتن در زخم و رسیدن به سرمشا‌غفوت است. آنچه حاصل این کندوکاو افشاگرانه است، گسستی مختوم است: اعتراف مرد و زن به اینکه از آغاز دروغ گفته‌اند؛ هم به خودشان و هم به یکدیگر. هردوی آنها از آنچه علی‌الادعا ارزش‌های خود می‌دانستند می‌گسلند تا جایی دورتر و بالاتر، نزد تماشاچیان و در سپهر قدسی نمایش به یکدیگر پیوندند. درست همین نکته است که از پایان‌بندی اجرا پائانی به‌یادماندنی (و نه الزاما مؤثر) می‌سازد. ما با دو تماشاچی مختلف در دو سطح مختلف مواجهیم: تماشاچیان درون درام؛ یعنی مخاطبان اینستارگام، که شاهد گسست و پیوست نمایشی این زن و مرد نمایشی هستند و تماشاچiapنی که در اینجا و اکنون صحنه نمایشِ آینده‌ای دمل را می‌بینند.



ساسان کلفر

اوایل اردیبهشت ۹۷ که در یکی از روزهای جشنواره جهانی فیلم فجر، البویه مگاتون را دیدم، باورم نمی‌شد خودش باشد. نام هنری او که به علت مصادف‌بودن روز تولدش (۶ گوست ۱۹۶۵) با بیستمین سالگرد انفجار بمب اتمی در هیروشیمّا انتخاب شده (در اصل نامش البویه فوتانّا است)، آدمی با هیکلی سنگین و غول‌آسا را تداعی می‌کرد و تخصصش در ساختن آثار اکشن با ستاره‌های هالیوودی این انتظار را به وجود می‌آورد که با شخصیتی غیر از این چهره خجالتی و خودمانی و بسیار با‌سواد و عمیق طرف شوم.

او تاکنون هفت سریال تلویزیونی و شش فیلم بلند سینمایی «راه خروج»، «سیرن سرخ»، «ترنسپورتر ۳»، «کلمینا،» «ریوده‌شده» و «ریوده‌شده ۲» را کارگردانی کرده است و فیلم بلند «ماشین رالی» با بازی کیانو ریوز را در مرحله پیش‌تولید دارد. لوک بسون در مقام فیلم‌نامه‌نویس با تهیه‌کننده آثار اخیر مگاتون همکار و دوست نزدیک اوست و مگاتون چنان‌که خود تعریف می‌کند، قرار بوده است ادامه فیلم «لئون» لوک بسسون را با عنوان «ماتیلدا» بسازد که به علت تغییر گذاشته است. مگاتون که در رشته روان‌شناسی تحصیل کرده و در حوزه هنرهای بصری و نقاشی فعال بوده، از علاقه‌مندان سینمای هنری و به‌ویژه آثار دیوید لینچ است و در جامعه‌شناسی و تئوری‌های رسانه و ارتباطات سررشته دارد، اما حوزه تخصصی‌اش در فیلم‌سازی خودبه‌خود گفت‌وگوی کوتاه ما پیش از یک کارگاه آموزشی در تهران را به سمت ستاره‌ها و تأثیرشان در پروژه‌های سینمایی برد.

● موقع کار با بازیگران هالیوودی مانند لیام نیشن، فمکه چسن، جیسن استیتم با زویی سولدانا با توجه به اینکه زبان مادری شما فرانسه و برای آنها انگلیسی است، اختلاف زما مشکلی ایجاد نمی‌کند؟

من با آنها انگلیسی صحبت می‌کنم. البته این بازیگران تا حدی فرانسه هم متوجه می‌شوند، ولی همان زبان انگلیسی برای کار ما کافی است. لیام نیشن بازیگر بسیار بزرگی است و نامزد اسکار هم بوده و موقعی که با او کار می‌کنید، به‌محض آنکه اعتمادش را جلب کنید، اجازه می‌دهد که همه کارها را درست انجام بدهید و ارتباطی نزدیک با شما برقرار می‌کند. وقتی داشتیم با او فیلم‌برداری می‌کردیم، چون من داشتم قاب‌بندی می‌کردم و پشت دوربین بودم، فقط کافی بود در جریان صحنه نگاهی به من بیندازد تا بفهمد که یک جای کار می‌لنگد. خودش این را حس می‌کرد و یک نوع ارتباط و گفت‌وگوی بسیارسیار نامرئی بین ما به‌وجود می‌آمد و بعد هم موقعی که از برداشت خوشش می‌آمد، دیگر لازم نبود با هم خیلی حرف

گروه هنر: «مالی سویننی» با حضور امیر آقایی، صابر ابر و الهام کردا در کمتر از دو هفته شش هزار تماشاچی را جذب کرده و «جوجه‌تیغی» بهرام افشاری پس از سه نوبت اجرا در تهران، سفر اروپایی‌اش را آغاز می‌کند و همچنین «نوبت یعنی بعدی»، «شلیک به تئاتر شهر» و «یرماغ» همین هفته اجراهایشان آغاز می‌شود.

استقبال از مالی سویننی

نمایش «مالی سویننی» به نویسندگی برایان فریل و کارگردانی مرتضی میرمنظمی که از شامگاه دوشنبه، ۱۰ اردیبهشت در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر به صحنه رفته، تا ۱۰ خرداد روی صحنه خواهد بود.

این اثر نمایشی در ۱۲ اجرای خود که پشت سر گذاشته، میزبان بیش از شش هزار مخاطب در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر بوده است. «مالی سویننی» تا ۱۰ خرداد، ساعت ۲۱ در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر به صحنه می‌رود.

خلاصه: مالی سویننی، زنی ناپیدا، در پی تلاش‌ها و اصرارهای همسرش، چشمانش را عمل می‌کند و قدم در دنیای بینایی می‌گذارد. وی در ابتدا بسیار هیجان‌زده است، اما پس از مدتی دچار بیماری می‌شود؛ مغزش، اطلاعات اشیاست دیده‌شده را مخایره نمی‌کند و او با وجود دید دقیق، کاملاً کور است. مالی پس از این اتفاق کاملاً افسرده و بیمار می‌شود. او که ۴۰ سال در دنیای ناپیانی زندگی کرده است، از اینکه از این دنیا مهاجرت کند واهمه دارد و پس از بهبود به خوبی درک می‌کند تمام دنیای زیبای ناپیانی را که مختص به خود بوده از دست داده است...

تور اروپایی جوجه‌تیغی

نمایش «جوجه‌تیغی» به کارگردانی بهرام افشاری در ادامه اجراهای خود، در اروپا روی صحنه می‌رود.

«جوجه‌تیغی» به تهیه‌کنندگی محمد قدس و به نویسندگی و کارگردانی بهرام افشاری، پس از سه نوبت اجرا در ایران این‌بار در قالب یک تور به اروپا سفر می‌کند. مهدی یارلماو نیز به‌عنوان مجری طرح اروپا در این سفر حضور دارد.

داستان این نمایش در مورد جوانی است که به عشق بازیگرشن از شهرستان به تهران می‌آید و در این مسیر برایش اتفاقاتی رخ می‌دهد.

هنر

گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» با البویه مگاتون، فیلم‌ساز فرانسوی

سعی می‌کنم شخصیت بازیگر را درک کنم



البویه مگاتون و جواد طوسی سر صحنه «ریوده‌شده»

انگلیسی مثل فرانسه تشریح کن.
● **شهرت این بازیگرها مشکلی در کارتان ایجاد نمی‌کند؟ در پرسوناژی که می‌خواهید از آنها بسازید؟ می‌توانید نقشی بسازید که تحت تأثیر شهرت ستاره‌ای قرار نگیرد؟**

واقعاً نه، چون اگر بازیگری باهوش باشد، به نقش می‌رسد و آن را جذب می‌کند. همه‌چیز را از نو شروع می‌کند. در کار آخرم («ریوده‌شده ۳» محصول ۲۰۱۴) با فرارست ویتاکر کار می‌کردم که بازیگر خیلی خیلی بزرگی است. کارش را خوب بلد است و می‌خواست با من کار کند. وقتی سروکارتان با چنین آدم‌هایی است، آنها از ویژگی‌های اساسی شخصیت در فیلم‌نامه شروع می‌کنند. فرارست با مراسم اسکار فکر نمی‌کند و حرف‌هایی از این قبیل، اصلاً به این چیزها فکر نمی‌کنند. از این چیزها نمی‌گویند که من دارم با اسپیلبرگ کار می‌کنم، فقط به فیلم فکر می‌کنند. وقتی با بازیگرانی چنین عظیم کار می‌کنید، متوجه می‌شوید که بسیار باهوش، بسیار مهربان و درست عکس آن چیزی هستند که انتظارش را دارید!

● **شکل کار شما با لوک بسسون از جنبه فنی چطور است؟**

اگر بدانید، واقعاً مایه تعجب‌تان خواهد بود.



جواد طوسی در نقش «ایلیا» در فیلم «ریوده‌شده»

با من خیلی خوب آشناست. در سال ۱۹۹۳ به من تلفن زد که بروم و با او در فیلم «حرفه‌ای» (لئون) همکاری کنم. من کار را بلد نبودم، از من خواسته بود کارگردان واحد دوم باشم. قبل از فیلم‌برداری به‌نوعی با هم چنجیدیم، من فرار کردم. ۱۰ سال بعد برگشت. آن موقع فهمیده بود که اولین فیلمم را کار کرده‌ام. به من گفت: «به یاد داری می‌خواستم با تو کار کنم؟ حاضرم شرط ببندم مثل هنرمندها (بی‌نظم) هستی، نمی‌توانم کنترل‌ت کنم.» از همان ابتدا هم می‌گفت من نمی‌توانم این آدم را کنترل کنم. بنابراین وقتی سال‌ها بعد برای (سومین فیلم) «ترنسپورتر» آمد به دیدنم، مطمئن بود نمی‌تواند همان روند کار معمول را با من داشته باشد. بعد از آن هم همیشه همان‌طور بود.

وقتی قرار است فیلمی با او کار کنم، فیلم‌نامه را می‌دهد دستم، من هم می‌گویم بله یا نه؛ چون از بعضی فیلم‌نامه‌ها خوشم نمی‌آید و وقتی احساس کنم کار جالبی است و پاسخم مثبت باشد، دو ساعت درباره فیلم صحبت می‌کنیم و بعد از آن برای ماه‌ها همدیگر را نمی‌بینیم. فقط گاهی وقت‌ها به من تلفن می‌زند و همین، اصلاً درباره فیلم حرف نمی‌زنیم، هرگز برداشت‌های روزانه را تماشا نمی‌کند. وقتی همه کارها تمام شد، تلفن می‌زند یا می‌آید و سر صحنه هم نیم‌ساعت با یک ساعت می‌آید و با هم هستیم. سر صحنه «ریوده‌شده ۲»، حدود نیم‌ساعت آمد و در تمام دوران فیلم‌برداری «ریوده‌شده ۳» هم یک ساعت بود. همیشه به من می‌گوید: «وقتی نسخه دوساعته (در تدوین) تکمیل شد، به من تلفن بزن»؛ چون وقتی چنین فیلمی می‌سازیم، تدوین اولیه‌اش سه‌ساعت‌ونیم است. می‌دانی، مثل یک فیلم ژاپنی، بعدش آن‌قدر می‌بریم و می‌بریم و وقتی به حدود دو ساعت می‌رسیم، خیلی مشکل است؛ چون خیلی چیزها را کنار گذاشته‌ایم و سخت است که متوجه شویم مردم فیلم را می‌فهمند یا نه. بنابراین خیلی خوب است که یک نفر دیگر باشد که خودش کارگردان باشد و به شما بگوید: «اینجا را فهمیدم، آنجا را نفهمیدم». این موقعی است که دوست دارد فیلم را برای اولین‌بار تماشا کند. کار ما این‌طوری است. وقتی این کار را می‌کنیم، به‌خصوص اگر فیلم برای بازار ایالات متحده باشد، می‌رویم به استودیو فاکس یا هرکدام دیگر که باشد، فیلم را نشان آنها می‌دهیم و آزمایش می‌کنیم و با هم نگاه می‌کنیم؛ بعد از مردم می‌شنویم که آیا مشکلی وجود دارد یا نه و بعد با هم خطاهایش را تصحیح می‌کنیم. این بخش از کار خیلی کوتاه است؛ چون از زمانی که او نسخه دوساعته را می‌بیند تا تکمیل تدوین نهایی، ۱۵ روز طول می‌کشد که دوران خیلی کوتاهی است. یک سال طول می‌کشد که یک فیلم را بسازیم و در این مدت ما همان روز اول را با هم هستیم، یک یا دو ساعت در میانه ساختن فیلم و بعدش هم چند ساعت در پایان. این روال کار من و لوک بسون با هم است. چون او به من اطمینان دارد و می‌داند با تمام توان برای اینکه به بهترین نتیجه برسیم، کار می‌کنم. اگر هم مشکلی داشته باشم، از همان اول به او می‌گویم که نمی‌خواهم کار کنم. بنابراین، ما این‌طوری کار می‌کنیم، البته لوک بسون با هیچ‌کس دیگری این‌طور کار نمی‌کند.

با حضور امیر آقایی، صابر ابر و الهام کردا

خوش اقبالی مالی سویننی

نوبت یعنی بعدی

شامگاه ۲۳ اردیبهشت، «نوبت یعنی بعدی» به کارگردانی مرتضی شاه‌کرم در سالن قشقایی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفت.

شامگاه ۲۳ اردیبهشت، هم‌زمان با رونمایی پوستر رسمی نمایش، «نوبت یعنی بعدی» با حضور بازیگران و عوامل «سانتی‌متر»، نمایش قبلی گروه «سکوت» که تا ۲۱ اردیبهشت در تماشاخانه ایران‌شهر روی صحنه بود، اجرای عمومی خود را آغاز کرد.

نمایش «نوبت یعنی بعدی» به نوشته و کارگردانی مرتضی شاه‌کرم، نمایش برگزیده پنجمین جشنواره سراسری تئاتر ایثار است و در بخش مرور سی‌وپهارمین جشنواره تئاتر فجر در تهران، یزد، مشهد و البرز به صحنه رفت.

«نوبت یعنی بعدی» دو داستان موازی با مضمون ایثارگری و اجتماعی دارد و داستان مادری را که به‌دنبال یافتن اهداکننده عضو برای بهبودی پسرش است، در کنار داستانی اقتباسی از لاله و لادن، دو خواهر به‌هم‌چسبیده که درگیر مشکلات اجتماعی و مشکلات جسمانی هستند، روایت می‌کند.

بازیگران «نوبت یعنی بعدی» به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: آناهیتا اقبال‌نژاد، پروا آقاجانی، غزاله جازیری، سسعود شامی‌خاتونی، علی غابینی و ترانه کوهستانی.



«نوبت یعنی بعدی» از ۲۳ اردیبهشت تا ۱۱ خرداد، ساعت ۱۸:۳۰ در سالن قشقایی مجموعه تئاتر شهر به صحنه می‌رود.

شلیک به تئاتر شهر در مهرگان

شایان افکاری، نویسنده و کارگردان تئاتر، نمایش جدید خود را با نام «شلیک به تئاتر شهر» در تماشاخانه مهرگان روی صحنه می‌برد. «شلیک به تئاتر شهر» به نویسندگی شایان افکاری، بر اساس فیلم‌نامه «گلوله‌ها بر فراز برادری»، اثر وودی آلن؛ با بازی ایوب آقاجانی، عباس بابایی، بهرام سروری‌نژاد، امین قنبری، اریک قاراسمیان، سام کبودوند، ترانه کوهستانی، حسین کشفی‌اصل، مهدی میرزاییان و آناهیتا همتی، از امروز سه‌شنبه، ۲۵ اردیبهشت، ساعت ۲۱ در تماشاخانه مهرگان روی صحنه می‌رود.

در خلاصه داستان این نمایش آمده است: «این نمایش روایتگر چالش‌هایی است که یک کارگردان تئاتر برای به‌روی‌صحنه‌رفتن آثارش دارد؛ او برای این اتفاق مجبور است تا با تهیه‌کننده‌ای خارج از فضای تئاتر وارد کار شود...».

علاقه‌مندان برای تماشای این نمایش می‌توانند به تماشاخانه مهرگان به آدرس خیابان انقلاب، ابتدای پل کالج، کوچه خارک، بن‌بست اول، پلاک پنج مراجعه کنند.

یرماغ در تالار مولوی

پیش‌فروش بلیت نمایش «یرماغ» به نویسندگی و کارگردانی مریم محمدی در سایت تیوال آغاز شد.

نمایش «یرماغ» از ۲۷ اردیبهشت تا ۲۵ خرداد ساعت ۲۰:۳۰ در سالن اصلی تالار مولوی روی صحنه می‌رود.

بازیگران این نمایش متوات محسنی، محیار احمدی، حمید صدری، سالار خمسه، علی تارمی، بردیا زاهدی، محمدرضا منصوری، عادل شادرو، امیرحسین عشق‌آبادی، رامین مرادی‌جاوید، مجید عمانی، رسول سوری، رضا مفرد و محمدعلی امیدبخش هستند.

پیش از این نمایش «یرماغ» از حضور در جشنواره تئاتر دانشجویی انصراف داده بود. علاقه‌مندان به تماشای این نمایش می‌توانند برای خرید بلیت به سایت تیوال یا به صورت حضوری به تالار مولوی، واقع در خیابان انقلاب، خیابان ۱۶، تالار مولوی مراجعه کنند.

زیر آسمان فیروزهای

تحلیل «آموزه‌های اخلاقی شاهنامه»

● نشست «بررسی تأثیر آموزه‌های اخلاقی شاهنامه» ۲۶ اردیبهشت ماه در تهران برگزار می‌شود. «مهرشاد کاظمی» معاون امور فرهنگی و رسانه‌ای اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران، هدف از برگزاری این نشست را اهمیت محوری‌بودن فضائل اخلاقی در شاهنامه، کاربرد و تأثیر آموزه‌های اخلاقی متون حماسی بر جامعه معاصر، تعلیم و اهمیت آموزش در کتاب گران‌سنگ شاهنامه بیان کرد.

وی با اشاره به تأکیدات مقام معظم رهبری در بازشناسی و تکریم شخصیت والای حکیم ابوالقاسم فردوسی افزود: کتاب بزرگ شاهنامه فردوسی دارای زوایای مختلفی است که هر انسانی باید در مسیر زندگی از درس‌هایش عبرت بگیرد و از آنها استفاده کند. وی اضافه کرد:

داستان‌های حماسی که در سراسر شاهنامه آمده است، اشاره مستقیم به اعتماد و توکل به خداوند دارد و همواره انسانیت را بر هر چیزی محترم می‌شمارد.

معاون امور فرهنگی و رسانه‌ای اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران یادآور شد: تلاش شده است تا در این نشست از حضور

استادان بنام ادبیات و اخلاق با هدف بررسی و تحلیل شخصیت‌های شاهنامه و تأثیرگذاری آن از منظر اخلاق استفاده کنیم. وی ضمن دعوت از اهالی فرهنگ و ادب استان تهران و علاقه‌مندان به این شاعر و حماسه‌سرای ایرانی گفت: نشست «بررسی تأثیر آموزه‌های اخلاقی شاهنامه» به همراه روایت قصه‌های شاهنامه (تقالی) ۲۶ اردیبهشت از ساعت ۱۵ تا ۱۷ در سالن همایش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران واقع در سعادت‌آباد، بلوار دریا، کوی مروارید برگزار می‌شود.

برخوانی محمود دولت‌آبادی از شاهنامه فردوسی

● در روز بزرگداشت جهانی حکیم ابوالقاسم فردوسی، محمود دولت‌آبادی از انتشار تازه‌ترین کار خود با عنوان «برنایان جاودان» خبر داد؛ کاری که شامل برخوانی سرگذشت سهراب، سیاوش و اسفندیار در شاهنامه است. محمود دولت‌آبادی، نویسنده برجسته ایرانی، درباره متفاوت‌ترین کار خود که در قالب یک پروژه صوتی به‌همراه کتاب منتشر خواهد شد، گفت: «برنایان جاودان» از شاهنامه فردوسی به مقوله جوان و جوانی در تاریخ ادبیات ایران پرداخته و اینکه چگونه جوانان قربانی جاه‌طلبی پیران در شاهنامه از جمله پدرانشان می‌شوند.

این نویسنده که گزینش، ویرایش، تومار و برخوانی این سه شخصیت جوان شاهنامه را برای تازه‌ترین کارش انتخاب کرده، گفت: از نظر من ویژگی این سه شخصیت زلالی و جوانی آنهاست در مقابل رفتارهای خسیسانه پیرانه‌سرانی در شاهنامه که حاضرند برای بقای بیشتر، جوانان را طعمه و قربانی سیاست‌های خود کنند. من می‌توانستم «بیژن» یا «فرود» را هم برای این کار انتخاب کنم، اما فارغ از اینکه پرداخت شخصیت سهراب و سیاوش و اسفندیار در شاهنامه کامل‌تر است، آنها سرنوشت مهم‌تری به نسبت دیگر شخصیت‌ها دارند و برای این کار مناسب‌تر بودند.

محمود دولت‌آبادی که پیش از این هم تجربه و شانس شنیدن داستان بردارکردن حسنک وزیر از کتاب تاریخ بیهقی را در اختیار علاقه‌مندان متون ادبی کلاسیک قرار داده، درباره زمان انتشار این کار گفت: «درحال‌حاضر فرهاد دولت‌آبادی به‌عنوان مدیر اجرایی پروژه مشغول رایزنی برای تدارک انتشار این سه‌گانه است تا داستان سهراب در سال جاری منتشر شود و بعد از آن داستان سیاوش به دست خواهد آمد و سپس اسفندیار. این نویسنده درباره همکاری‌اش با کیوش صاحب‌نسق به‌عنوان آهنگ‌ساز این کار گفت: امتیاز این فیلم‌ساز این بود که آشنایی خوبی با سازه‌های بازسازی‌شده ایران باستان داشت و درباره این سازه‌ها پژوهشی دقیق انجام داده بود و برای این کار هم از این سازه‌ای کمترشنیده‌شده استفاده کرد.

او ادامه داد: درباره موسیقی این سه‌گانه، ارباب موسیقی باید صحبت کنند و امیدوار هستم که به او دست‌مریزاد بگویند، اما به گمان من توفیق خوبی به دست آمده و کار مدرن و نوبی بر این اثر کهن انجام شده است. او همچنین درباره طراحی گرافیک و نوع صفحه‌آرایی «برنایان جاودان» گفت: ایمان صفایی به‌عنوان گرافیست در این کار با من همکاری داشت که قدردار زحمت، دقت و عشقی که برای این کار گذاشت، هستم. محمود دولت‌آبادی در پایان گفت: خوانش درست شاهنامه و ارائه «برنایان جاودان» فرصتی است تا متون کلاسیک که بخش عمده‌ای از فهم آثار ادبی را شامل می‌شود در اختیار علاقه‌مندان و جوانان قرار گیرد.